

عدالت در قرآن

علیرضا معاف

در اسلام کمتر مسأله ای است که به اهمیت «عدالت» باشد، زیرا مسأله «عدل» همانند مسأله «توحید» در تمام اصول و فروع دین ریشه دوانده است، لذا عدالت از زیربناهای فکری یک مسلمان است. یکی از محورهای عمیق اصلاحات در فرهنگ دینی و سیره علوی(ع) موضوع عدالت اجتماعی است. در سایه عدالت، روابط اجتماعی و سیاسی برقرار و پایدار خواهد ماند.

عدالت در طول تاریخ از مفاهیم بسیار گسترده و دارای تعابیر فراوانی توسط اندیشمندان و صاحب نظران بوده است. در فرهنگ اسلامی عدالت در دو حوزه تکوین (عدل الهی) و حوزه تشریح (عدالت اجتماعی) دیده می شود. بهترین تعریف عدالت را در کلمات گهربار علی(ع) می توان دید:

«اعطاء كل ذي حق حقه: حق هر صاحب حقی را به او دادن و مراعات شایستگی ها را نمودن».

«وضع الشيء في موضعه؛ هر چیزی را در جایگاه خودش قرار دادن»(۱)

عدالت در معارف الهی و بشری در تمامی حوزه های فکری، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و مانند آن قابل بحث است. عدالت به عنوان ستون فقرات هر جامعه است عدالت چرخ راهنما و مشعل پر فروغ فضیلت و معیار ارزش هاست.

«عدالت» در بیان امیرالمؤمنین قرآن ناطق

در بیانات نورانی امیرالمؤمنین(ع)، دهها جمله ارزشمند و آموزنده در زمینه عدالت آمده است و اساس آن بر عدل نفسانی و اخلاقی و دوری از هوای نفس ذکر شده. حضرت فرموده است: «باید بهترین و محبوب ترین کارها نزد زمامدار نزدیک ترین آنها به حق و اعتدال، فراگیر ترین آنها به عدالت و جامع ترین آنها در رضایت مردم باشد»(۲) چرا که بی شک، خشم توده مردم رضایت خواص را بی اثر می سازد، در حالی که خشم خواص با رضایت توده مردم قابل جبران است.

در گفته های حضرت علی(ع) از عدالت به عنوان فضیلت انسان زمامدار، بهترین حکم، بهترین شیوه حکمرانی،

۲۷۶۷

قوی ترین اساس، مایه پایداری جامعه، عامل حیات احکام خدا، کرامت برای انسان، رأس ایمان و جامع احسان و نیکی و خیر و فلاح و صلاح یاد شده است.

پس از آنکه حضرت علی(ع) خلافت را پذیرفت، اتمام حجت کرد که من چنان به عدالت رفتار خواهم کرد که اگر زمین های متعلق به عامه مسلمین را که به دیگران بخشیده، عده ای جزء مهر زنانشان فرار داده باشند، باز آنها را پس خواهم گرفت. معتقد بود که نمی توان بنای محکم عدالت را برپایه های خراب و منحرف گذشتگان بنا نهاد، لذا باید هر حق غضب شده ای به صاحبش برگردانده شود.

پاسخ حضرت برای قانع کردن افکار در چنین شیوه عمل و اجرای عدالت قابل تأمل است که فرمودند: «همانا در عدالت ظرفیت و گنجایشی وجود دارد. آن کس که عدالت را برنتابد، ستم را سخت تر یابد» (۳) به عبارت دیگر، سخن اگر ظرفی باشد که بتواند رضایت همه گروه ها و افراد را در خود بگنجاند، آن ظرف، عدالت است، اگر کسی با عدالت راضی نشد، خیال نکنید کنار گذاشتن عدالت او را راضی خواهد کرد، چون ارضای حرص و طمع آنها امکانپذیر نیست، لذا مرز، همان عدالت است.

حتی در مقابل توصیه دوستانش که می گفتند: چند روزی از اجرای عدالت صرفنظر کن تا پایه های حکومت محکم تر شود و بهتر بتوانی مخالفان را سرکوب کنی، با کمال قاطعیت مخالفت می کرد و می فرمود: «حاضر نیستم حتی لحظه ای از سیره پیامبر(ص) که مبنای عدالت است کناره گیری کنم و به حکومت امثال معاویه به عنوان کارگزار خود رضایت دهم.» علی(ع) حتی حاضر نبود که نه خودش و نه کسی از نزدیکانش از عنوان خلافت سوء استفاده کنند و اگر به بازار می رفت سعی می کرد سراغ کسی برود که او را نشناسد تا بین او و دیگران فرق نگذارد. معتقد بود مناصب اجتماعی تکلیف است که بنا به وظیفه باید برعهده گرفت، نه طعمه ای که موجب بهره برداری شود. به کارگزارانش درباره احترام به حقوق مردم و رعایت عدالت تأکید بسیار می کرد.

در اثر حساسیت آن حضرت در اجرای عدالت، در مدت کوتاه حکومت در حال جنگ با ناراضیان داخلی بود و بالاخره به شهادت رسید.

هرچند دوران خلافت علی(ع) یکی از تلخ ترین ایام زندگی او به حساب می آید ولی از نظر مکتبش او موفق

۲۷۶۸

شد بذر عدالت را در جامعه اسلامی بکارد. علی(ع) آموخت که تغییر رژیم سیاسی و تعویض پست ها و برداشتن افراد ناصالح و گذاشتن افراد صالح به جای آنها بدون دست زدن به بنیادهای اجتماعی از نظر نظام اقتصادی و عدالت اجتماعی اثربخش نخواهد بود.

قرآن و عدالت خواهی

بحث عدالت، عدالت خواهی و اقامه قسط از جمله موارد مورد توجه قرآن کریم است. در زیر به بررسی دو آیه از آیات قرآن می پردازیم:

اول: «لقد أرسلنا رسلنا بالبینات و أنزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط و أنزلنا الحديد فيه بأس شدید و منافع الناس و ليعلم الله من ینصره و رسله بالغیب ان الله قوی عزیز» (حدید ۲۵/)

در این آیه غرض خداوند از فرستادن رسولان و نازل کردن کتاب و میزان همراه آنان، اینگونه بیان می شود که مردم به قسط و عدل قیام کنند. شاید این سؤال به ذهن خطور کند که چرا در این آیه برپا کنندگان قسط و عدل را مردم و نه کس دیگر معرفی می کند؟ ممکن است بتوان چنین گفت لازمه اجرای عدالت و فراگیر شدن آن، عدالت خواهی عموم مردم است، عزم راسخ برای اجرای عدالت باید در مردم نهادینه شود و میزان حساسیت مردم در اجرای قسط، تعیین کننده است. مردم باید عدالت خواهی را فریاد بزنند. نکته ای در مورد این آیه: «خداوند روی حکمت و تقدیر آهن را آفرید. این فلز علاوه بر منافع زیادی که برای مردم دارد، «از جمله در ساخت سلاح جنگی و قدرت زیادی در آن وجود دارد برای این هم هست که معلوم سازد چه کسی رسولان الهی را یاری می کنند و در راه خدا جهاد کرده و از قسط و جامعه دینی دفاع می کند.» (تفسیر المیزان)

خداوند در ادامه این آیه می فرماید که پیامبران را یکی پس از دیگری گسیل داشت و این سنت همچنان در تمامی امت ها ادامه یافت و نتیجه کار همواره این بود که دسته ای از مردم راه حق را یافته و اکثریتی فاسق شدند، سپس در پایان سوره می فرماید: «ای گروه مؤمنان! به این پایه از ایمان اکتفا نکنید، از خدا پروا کنید و ایمان خود را تکمیل کنید تا از رحمت دوچندان خداوند بهره مند شوید.» (۴)

۲۷۴۹

«یک اصل مهم»

شاید بتوان از این آیات چنین نتیجه گرفت که تلاش برای تکمیل ایمان و قانع نشدن به ایمان موجود، شرط لازم برای اطاعت خالص تر و خاضعانه تر از اوامر خداوند و پیامبر و نیز اقامه بهتر و بیشتر قسط باشد. همانطور که در کلام نورانی امیرالمؤمنین (ع) آمده است: «تا عدالت بر نفس حاکم نباشد، نباید انتظار عدالت در حق دیگران را داشت» لذا تقویت پایه های اعتقادی و بینش های دینی و پا گذاشتن در میدان جهاد اکبر است که می تواند تسلیم امر الهی شدن و برپایه عدالت در تمام زمینه ها را به ارمغان بیاورد.

دوم: «یا ایها الذین امنوا کونوا قوامین بالقسط»

(نساء/۳۵)

این آیه کلیه اهل ایمان را مورد خطاب قرار می دهد و از آنها می خواهد که منتظر پیاده شدن عدالت ننمایند، بلکه تک تک شما باید برای برپایی قسط و عدالت قیام و به این هم اکتفا نکنید بلکه همواره و بسیار در تلاش و قیام برای برپایی عدالت اجتماعی باشید. فریاد عدالت خواهی باید از عمق جان و روح فرد فرد مردم بلند شود. فریادی که برپایه ایمان و مبتنی بر شناخت صحیح ما از عدالت باشد.

«مفهوم صحیح عدالت اجتماعی»

«از دیدگاه کمونیستی، عدالت اجتماعی بدین معناست که همه افراد جامعه با هر موقعیت و استعداد و عملکرد و میزان تلاش، باید به طور مساوی بهره مند شوند، یعنی وضع معیشتی مردم با همدیگر برابر باشد. در این حالت همه افراد به اندازه استعداد و توانایی شان برای دولت کار می کنند، اما از دولت تنها به اندازه احتیاج شان مزد می گیرند. در این دیدگاه اگر شخص اول دو برابر شخص دوم کار کند، ولی شخص دوم دو برابر عائله داشته باشد، به شخص دوم دو برابر درآمد تعلق می گیرد، این برداشت اجتماعی محض است.

نظر دیگر، دیدگاه سرمایه داری است. عدالت اجتماعی در این بینش بدین معناست که میدان را برای افراد باز می گذارند و به افراد آزادی اقتصادی و سیاسی می دهند تا هر کس تلاش کند ببیند چقدر درآمد می تواند داشته باشد و آن درآمد را به خود اختصاص دهد. دیگر به فرد مربوط نیست که سهم دیگری کمتر است یا بیشتر. البته

۲۷۷۰

جامعه در نهایت امر، باید در حدی که افراد ضعیف از پا در نیایند، بر اموال افراد غنی مالیات ببندد و زندگی افراد ضعیف را تأمین کند.

اشکالی که در دیدگاه اول وجود دارد این است که اصالت را به جامعه می دهد و آزادی فرد (سیاسی و اقتصادی) را نادیده می گیرد. لذا دولت به زور حاصل دسترنج دیگران را می گیرد و به دیگران می دهد که این عین بی عدالتی است. در دیدگاه دوم هم اشکال «استثمار» وجود دارد. استثمار به هر شکل مردود است. اگر من شما را به کار گمارده باشم و قسمتی از محصول کار شما را به خود اختصاص دهم، شما را استثمار کرده ام و این ظلم است. اما اگر من به میل خودم از مال و حاصل تلاشم به دیگری بدهم، عین انسانیت و رشد یافتگی است. سرمایه داری از آن جهت محکوم است که در بطن خود استثمار را پرورش می دهد. سرمایه داری تمام بهره را به «سرمایه» اختصاص می دهد و این امر ایجاد نابرابری می کند.

امانظریه بینابینی وجود دارد که می گوید بیاید راهی اتخاذ کنیم تا بتوانیم جلو استثمار را به طور کلی بگیریم، بدون این که شخصیت، اراده و آزادی افراد را لگد کوب کرده باشیم. کوشش کنیم انسانها به حکم انسانیت، به حکم معنویت و شرافت روحی و درد انسان داشتن، خود مازاد مخارج خود را به برادران نیازمندشان تقدیم کنند، نه اینکه دارایی هایشان را به زور از آنها بگیریم و برای اجرای عدالت به هیچ طرف انحراف نداشته باشید.» (شهید مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی)

علامه محمدتقی جعفری (ره) نیز نگاهی چنین دارد: «عدالت است که واقعیت را از ضد واقعیت تفکیک می کند؛ عدالت است که طعم حیاتی قانون را به ما می چشاند و به طور کلی عدالت یعنی حیات و ظلم یعنی مرگ و نابودی مزاحم. عدالت با این ویژگی ها ماندهوا تنها ضرورت زندگی نیست، بلکه حقیقتی است که شایسته عشق ورزیدن است، در حالی که همه مردم از این معشوق فرار می کنند، چگونه؟ خود محوری نابکارانه که متأسفانه دامنگیر اکثریت است باعث می شود که عدالت منغور شود، زیرا اساسی ترین اصل خودمحوری این است که من هدف و دیگران وسیله اند، در صورتی که عدالت می گوید اگر وجود تو هدف است، دیگران نیز هدف اند و اگر وجود دیگران وسیله است، تو نیز وسیله ای؛ و میان این دو بینش تضادی آشتی ناپذیر است. عشق به عدالت در کسانی

۲۷۷۱

به وجود می آید که عشق به حیات واقعی در آنها شکوفا شود. این اندیشه که تعبیر غربی آن سوسیالیسم اخلاقی است، چیزی است که اسلام همیشه در پی تحقق آن است. اما برخلاف مکاتب غربی اسلام راه های عمل رسیدن به آن و نیز شیوه استقرار آن را در جامعه به دقت مشخص و معلوم کرده است.

در حدیثی از امام موسی بن جعفر (ع) آمده «حد اعلاى اخوت و برادری اسلامی این است که وقتی برادری محتاج شد و در مغازه برادرش آمد، بتواند دست برده و به قدر احتیاج بردارد، در حالی که صاحب پول هم اصلاً احساس ناراحتی نکند. اسلام طرفدار این است که زندگی ها برادروارانه باشد، نه این که به زور قانون بگوییم تو حق نداری یا این که بگوییم همه باید جیره خوار دولت باشند».

عدالت روح اسلام است. خداوند به عدالت امر می کند و از ظلم نهی. (آیه ۹۰، سوره نحل) امر به رعایت عدالت در دین اسلام به حدی است که حتی در موارد بحرانی هم توصیه به عدالت می کند تا حتی به کفار هم ضرری نرسد. (آیه ۱۱- سوره ممتحنه)

در مجموع می توان گفت در زمینه عدالت اجتماعی مورد قبول مکتب اسلام، «معنویت» جزء لاینفک آن است. تفاوت عمده میان مکتب اسلام با سایر مکاتب در این جهت است که اسلام معنویت را پایه و اساس می شمارد. لذا با بیش معنوی و انسانی، هر کس به اندازه استعداد و توانایی اش تلاش می کند تا سربار دیگران نشود، در حالی که به خاطر رسمیت شمردن مالکیت خصوصی در اسلام انگیزه کافی جهت کار و تلاش بیشتر پیش بینی شده است و از طرف دیگر به حکم انسانیت و پیمودن مراتب بالاتر معنویت به افرادی که واقعاً نیازمندند (و در عین حال مفت خور نیستند) با طیب خاطر انفاق کرده و رشد می یابد. در خاتمه به ذکر کلام امیرالمؤمنین (ع) می پردازیم که فرمودند: «حق وسیع ترین چیزها در مقام توصیف و بیان است، در حالی که در مقام انصاف و اجرا کردن سخت ترین و حساس ترین موضوع است.» (۶)

پی نوشت ها در روزنامه موجود است

۴۷۷۲